

آخر خط

ایلیا موسایی گفت: «چی؟» گفت: «باهاش حرف بزنی، برای رفعت و سلطنت کن... تکه کالبا سی را که دلتوی دستم بود، پرت کردم سمتش. از دم؛ ولومون کن بابا! آهسته... ساسا، ختم!» قهرض و حواحق، دو نفر سیمین کش آشپزخانه پیش لیز خورد ولی هرطور بود خودش راه بمن رساند و محکم بغلم کرد. گفت: «جان هرکی دوست داری، تورو به هرچی می پرستی، زندگی من از هم می پاشه.» به من چه. این بساطو ولتوش انداختی. گفتم وقتی داشتی زن می گرفتی به حرفم گوش ندادی. خودت کردی، به هیچ کم هم کار نداشتی. الان که گند زدی چی می خواهی؟! گفت: «تورا ست می گی... به خدا تو راست می گی.» من نادان، من احمق... من هرچی... زنگی کم کم کن الی... گفتن: «بعدهشم این الان چی بگم بهر زلت؟» گفت: «تو سخت کار می کنی. بلد ی جابگی، من عین تو نیستم، تو خوب جری برته ردیف می کنی، از همین جفنکا یه چیز ی بگو دلش نرم بشه از خر شیطان بیاد داینس.» فتمت: «به من مربوط نیست، زندگی خودته.» خودت باهمین فرمون پیش اومدی از این به بعدشم به هومن طور ی تا کنی.» گفت: «جان من جان تو، جان عزیزت، جان هرکی دوست داری،

شماره که گرفت گذاشت روی آیفون. اول صدای بوق می آمد. داشت می گفت: «کمش کن، دوباره بگو، یکم کمش کن...» صدای خش خش قطع شد. مریم گفت: «چه؟» صادق با صدای صمیمانه ای گفت: «الوهو بیبی، مریم گفت: «ایبییش... بیبی و کوفت، صادق گفت: «ماری، این حرفا زن رسته، رضا داره می شنوه.» «چی؟» «می گم که رضا اینجااست زدم رو آیفون می شنوه.» «خب که می شنوه» دیگه بیبی گفتند چیه خرس گند. صادق با چشم های درشت قورباغه ای اش نگاه کرد. گفت: «اووو باشه حالا، بند باداست به من اشاره کرد که بیاییم جلوتر. هنوز قدم برداشته بودم که خودش گفت: «این زار درس خونده ست داشت می گفت ما روش تربیت وزنگی می مون درسته نیست، به سبستم یک چشمک زد. مریم گفت: «کاش بشه کم تو رو درست کنه آپرومونو بری.» «من گفتم: (سلام مریم خانم، سلام، تو رو خدا ببخشید، این صادق آبرو براون نذاشته شما رو هم تو حمت انداخته.» گفتیم: چه حرفه، ما عین برادریم.» صادق فیفورو لبخند می زد و برای خودش یک سیگار جوهر کرده بود و داشت دود می کرد. مریم دوباره گفت: «کمش کن بیبین... بعد گفت: «شما رو به خدا خودتون بگین.» این دختر هنوز بچه ست حالا گیریم بایک پسر» قرار گذاشته، این جوان باهم حرف زدند، «این پشرا اشکال داره که این جوری الیه شنگه به بازند؟» دلم می خواست پنجره را باز کنم و خودم را ببیندازم پایین، ولی نمی دانم چرا هنوز آنجا ایستاده بودم و داشتم به حرف های آن زن و رفیقای دیوانه گوش می دادم. مریم گفت: «همه دوست و رفیقا دور این پشرا ستانم رو دعوت کرده، یعنی اونایی که از این مهووبیا بدشور نمی آد، وگرنه شما رو هم حتما می گفتیم بیاین. تادعاو شد این دیوانه ها توی گروه اعلام کرد بچه ها بنامه امشب کنسله.» صادق با صدایی که از سیگار درگه شده بود، پرید توی حرف: «تو چرا همه چیو فاقلی می کنی ماری؟» مریم گفت: «زد، تو گوش بچه، ردی گوششو خرد کاشخسیر کرد.» اقارضا گوشش رو به خدا زد به دیوار و شروع کرد بد و بیراه گفتن می گه های تو خودت فاقلی و بهمانی، هرچی از دهنش درامد بهم گفت. الا تم توقعه داره برگردم.» صادق دوباره نگذاشت حرف نینم: «تو چرا چرت می گاری؟» مریم دوباره زد: «من چرت می گم؟ تو اصلا رو اعصاب تسلط نداری. یهو جوش می آری، یهو ازوم می گیری. توقع داری منم روان خودمو با تو تنظیم کنم.» صادق گفت: «بررا اینکه روان هستی. نصتیر من به این شاخ شمشاد گفتیم بیاد و سواست.» اون بچه هم غلط کرد منم بخواد از این کارا نکنه.» مریم داد زد: «تو آدم نمی شی، آدم نمی شی.» صادق سبگارش را روی سنگ این خاموش کرد. داد زد: «همینه که تاد می آد بهش یه چیزبی بگم می پری وسط، انگار نه انگار این خون مرد داره.» مریم گفت: «تو مری؟» «تو مری؟» به خودت می گوی مری؟ اگر مری بودی منو متهم نمی کردی که با سلطانی شروسر دارم. صادق آرنج هایش را تکیه داده بود به لبه سنگی و خم شده بود روی گوشش: «ااااا اونم به توخت رومی می کنی، مثل جریان دختر که خرد شد.» «تو خجالت نمی کنی، خجالت نمی کنی می گوی دختر؟» این بچه بی گناه دختر هرد تا مونه، «من از آشپزخانه آدمی بیرون. صدای صادقی پشت سرم بود: «زر الکی نزن بیبین، شماها رو بیا دلب کنب، این طوری نمی شه.» صدای سالن پاسداست کرد. صدای مریم تا اینجا می رسید. توی می زد: «تو دوست دارم می بینم صادق خان، تو دادگاه بیبین همین قدر زبون داری؟» صادق گفت: «ها دیگه، هم سبک زندگی ازها، هم مهریه، وگناهه سوزی، دررا باز کردم. صدای جیغ جیغ مریم مثل روزه و حشره ای توی گوشم بود. خودم را انداخته توی آسانسور و حشره ی پایین رفت، من می کردم تمام دنیا و او هایش هم دادن پایین می روند...

فارس) آتش سوزی در یک بازار بزرگ در مکزیک، دست کم ۹۰ شسته به جا گذاشت. گزارش شده است که این آتش سوزی را مردان نقاب دار در شهر «تولوکا» در مرکز مکزیک به بار آورده‌اند. مهاجمان با ورود به این بازار، بی هدف مردم را با گریا پرسیدند و سپس بخشی از بازار را آتش زدند و متواری شدند. علت این حادثه، اختلافات داخلی بر سر تسلط فضاهای تجاری در بازار بیان شده است.

مشرق سقوط یک فرزند بالغ حامل گردشگران مکزیک
در مسیر بازگشت از بلندترین قله جهان، پنج کشته به جای
گذاشت. در این حادثه در ناحیه، لاماجورا، گروه امداد ونجات،
جسد پنج نفر از سرنشینان این بالغ حامل را پیدا کرده اند
و جست وجو برای یافتن خلبان نهایی نیز ادامه دارد.

و طبق قول و قرار اولیه با خانواده عروس باید دست به جیب می برد و خرج تدارکات مجلس را می داد. اما از دست دادن شغل قبلی از یدک آب میوه فروشی، دشتی خالی گذاشته بود و به جای جست و جو برای شغلی دیگر و پیدا کردن راه حلی مناسب، راه را که رفت آن قدر که از بایرهای سردآورد، شناید علت اصلی این بیراهه رفتن، فراموشی بود به اعتیاد بود. آن هم اعتیاد به مخدری که توهم راست و خامنا سوز. این متهم که اهل یکی از استان های جنوبی است، در یکی از همین باتوق های مواد که برای تهیه شیشه رفته بود، همدستی پیدا کرد و بعد از رفتن به عالم همدستی مصداق شیشه، هم شغل پیدا کردند، هم پول عروسی جور شد، هم خرج زندگی و هم راه دسئله را به یک شب رفتند! نقشه اولیه شان خالی کرد. جیب مردم بود اما اونیکه بطور و کجا و چگونه را هر بار که پای بساط شیشه می نشستند، پلانی به پلان های قبلی، آخرین نقشه هایشان اضافه می کردند. پلانش، سرت با اسلحه بود که نقشه را هشان شد!

● زورگیری با اسلحه از قاپیدن گوشی، پول نقد تا دستگاه تتوناخن!
شاید به عقل جن هم نرسد که از بساط یک

تفنگ را به سمت طعمه هایشان می گرفتند، قربانی از ترس، هر آنچه همراهش بود را تحویل گیری زورگیران می داد.

زورگیران آن روز هم مسلحانه و با اسلحه و زرمجاز را از حوالی جاده سیمان، جایی که نزدیک به محل اختفایشان بود، شروع کردند. روز اول، نقشه شان گذاشتن اسلحه روی سر شهروندان برای زورگیری پول های نقد، طلا، گوشی و هر شیء ارزشمند بود اما کم کم هر چه در بساط طعمه هایشان پیدا می شد، می قاپیدند، حتی از خیر یک ابزار ساده کار هم دست رهاغذری بود و طعمه شان بود که هم نمی گذاشتند.

سرق مسلحانه شبیه فیلم های هالیوودی

این دو متهم به سرق مسلحانه، پای همان بساط شبیه کش نشسته بودند، به جز ابزار سرقه که اسلحه بود، نوع پوشش چهره خودشان را هم طراح کرده بودند. با سروصورت کاملاً پوشیده، اسلحه به دست، تعقیب و گریزهای ماهرانه به محل اختفای که شباهه به صحنه هایی از فیلم های هالیوودی و فرار دزدان اسلحه به دست داشت، اما هر چند برای دو متهم تصور می کردند که ساحل امنی برای خودشان درست کرده اند، خیلی زود به دام افتادند و به این صورت با تلاش مأموران کلاتری شهرک مهرگان مشهد، ۲۸ فقره سرق

آهن، رمزگشایی شد.

دستگیری در یکی از روستاهای محدوده
جاده سیمان مشهد
درباره سرقت‌های مسلحانه این دوزورگیر،
فرمانده انتظامی مشهد می‌گوید: بلافاصله

افراد
می دهند
بکباری
گذشته
مشهد
درسدال
ذخیره
پایش
روزی
ماهی
م در
ش ساله
حاشیه
سری می

داشت و مشخص شده است که والدینش دیر متوجه این سقوط شده اند و زمانی به سراغ کودک رفته اند که او روی آب غوطه ور بوده است. خانواده بلافاصله دخترک را ببرون کشیده و به بیمارستان می رانند. اما نوزاد بوی نبود تا کودک را ششفا دهد و دخترک پیش از رسیدن به بیمارستان تمام کرده بود.

این حادثه هم خیلی زود فراموش می شود و فقط خانواده اش می ماند و یک دنیا حسرت و آه که چرا مراقب دخترک نبوده اند. این هشداری برای همه خانواده هاست که حتی یک لحظه غفلت در نگهداری از فرزندان ممکن است چنین عواقب دل خراشی به همراه داشته باشد. بویژه این روزها که خرابی هوا طبیعت گردی شهر وندان به اوج خودش رسیده است

هزخمی در تصادف رنو و پژو

شهرآرا روز گذشته هزار و سیصد و هفتاد و هشتمین عمل اهدای عضو در مشهد با موفقیت انجام شد. در این عمل جراحی سیدمصطفی سیدی، بیمار بیست و چهار ساله مرگ مغزی که از بیمارستان قائم (عج) به واحد فراهم آوری اعضای پیوندی در مرکز پیوند اعضای دانشگاه مشهد معرفی شد. پس از دریافت زایست خانواده اش، تحت عمل جراحی اهدای عضو گرفت. فرد زنده یاد سیدی به مردی شصت و سه ساله ساکن نیشابور پیوند شد. قزنبه های آن مرحوم نیز به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد و قسمتی از پوست وی برای پیوند، به بیماران بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) اهدا شد.

ایران‌آندو دستگاه خودرو سواری در جاده سبزیز به نیشابور به هم برخورد کردند. در این حادثه یک دستگاه خودرو سواری پژو پارس به دلیل بار نامعقول و کاپس سواری وینز برخورد کرد. در اثر این سانحه جاده‌ای ۱۰ نفر زخمی و همگی به وسیله اورژانس ۱۱۵ به بیمارستان ام‌ام‌سوانح شهرستان سبزوار انتقال یافتند. با اعلام این حادثه به یوریت‌های ۱۰۱ و ۱۱۵ با مسئولان نیروهای انتظامی به همراه عوامل پلیس راه در محل حاضر شدند. دلیل این تصادف هنوز مشخص نیست و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد. خودروی حادثه دیده نیز به پارکینگ انتقال یافتند.

ایران‌آندو دستگاه خودرو سواری در جاده سبزیز به نیشابور به هم برخورد کردند. در این حادثه یک دستگاه خودرو سواری پژو پارس به دلیل بار نامعقول و کاپس سواری وینز برخورد کرد. در اثر این سانحه جاده‌ای ۱۰ نفر زخمی و همگی به وسیله اورژانس ۱۱۵ به بیمارستان ام‌ام‌سوانح شهرستان سبزوار انتقال یافتند. با اعلام این حادثه به یوریت‌های ۱۰۱ و ۱۱۵ با مسئولان نیروهای انتظامی به همراه عوامل پلیس راه در محل حاضر شدند. دلیل این تصادف هنوز مشخص نیست و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد. خودروی حادثه دیده نیز به پارکینگ انتقال یافتند.

تسليم کارآگاهان اداره مبارزه با جرائم خشن پليس آگاهی مشهد، باند قاچاق تلفن های همراه مسروقه به خارج از کشور را شناسایی و متاخری کردند. کارآگاهان پهنی، طی تحقیقات خود در فعالیت دو مال خوشی های تلفن همراه مسروقه و قاچاق آن ها به خارج از کشور باخفا شدند. گروه رسیدگی کننده در این راستا بلافاصله وارد عمل شدند و متهمان را در بولوار صليبي دستگیر کردند. در بازرسی از مخفیگاه متهمان ۱۴۶ دستگاه انواع تلفن های همراه هوشمند سرقتی کشف شد. متهمان دو جوان بیست و سه و بیست و چهار ساله و تبعه خارجی هستند که به خرید و فروش های مسروقه از چند سارق در حاشیه شهر مشهد اعتراف کردند.

تسليم کارآگاهان اداره مبارزه با جرائم خشن پليس آگاهی مشهد، باند قاچاق تلفن های همراه مسروقه به خارج از کشور را شناسایی و متاخری کردند. کارآگاهان پهنی، طی تحقیقات خود در فعالیت دو مال خوشی های تلفن همراه مسروقه و قاچاق آن ها به خارج از کشور باخفا شدند. گروه رسیدگی کننده در این راستا بلافاصله وارد عمل شدند و متهمان را در بولوار صليبي دستگیر کردند. در بازرسی از مخفیگاه متهمان ۱۴۶ دستگاه انواع تلفن های همراه هوشمند سرقتی کشف شد. متهمان دو جوان بیست و سه و بیست و چهار ساله و تبعه خارجی هستند که به خرید و فروش های مسروقه از چند سارق در حاشیه شهر مشهد اعتراف کردند.

شهراز را رئیس کل دادگستری خراسان رضوی از انهدام چند دانه بزرگ تهیه و توزیع مواد مخدر مطلع کرد. شهراز با اعلامی صادق در این باره گفت: در همین راستا باطن قضایی تعدادی از محکومان امنیتی را نیز شناسایی کردند و به دام انداختند. وی افزود: هر چند فعالیت‌های دادگستری استان در راستای مقابله با جرم به‌طور شایانه‌روزی در حال انجام است، اما تا رسیدن به حد مطلوب باید تلاش مضاعف و کار جهادی داشت. صادق ادامه داد: خوشبختانه اسامی کارهای بزرگی در راستای حفظ امنیت و آرامش عمومی جامعه شکل گرفته است که رسیدگی به تعداد درخرو توجهی از پرونده‌های پرتشکی، یکی از آن‌هاست.

شهراز را رئیس کل دادگستری خراسان رضوی از انهدام چند دانه بزرگ تهیه و توزیع مواد مخدر مطلع کرد. شهراز با اعلامی صادق در این باره گفت: در همین راستا باطن قضایی تعدادی از محکومان امنیتی را نیز شناسایی کردند و به دام انداختند. وی افزود: هر چند فعالیت‌های دادگستری استان در راستای مقابله با جرم به‌طور شایانه‌روزی در حال انجام است، اما تا رسیدن به حد مطلوب باید تلاش مضاعف و کار جهادی داشت. صادق ادامه داد: خوشبختانه اسامی کارهای بزرگی در راستای حفظ امنیت و آرامش عمومی جامعه شکل گرفته است که رسیدگی به تعداد درخرو توجهی از پرونده‌های پرتشکی، یکی از آن‌هاست.

[illegible]